

موسوی: با یک راهپیمایی مهندسی شده، همه چیز تمام نمی شود

میرحسین موسوی، از رهبران مخالفان دولت با تحلیل شرایط پس از راهپیمایی ۲۲ بهمن گفته است «با وجود برخورد صورت گرفته در این روز هویت جنبش سبز حذف نمی شود» و به حاکمیت هشدار داده است که «نمی توان یک راهپیمایی مهندسی شده ترتیب داد و دل خوش کرد که همه چیز تمام شده است»

موسوی در یک گفت و گوی تفصیلی با سایت کلمه ضمن تصریح بر ضرورت پیگیری برگزاری انتخابات آزاد و غیر گزینشی، بار دیگر بر خواسته معترضان در مورد برگزاری راهپیمایی «برای پایان دادن به حرف و حدیث ها» تاکید کرده است.

وی با تحلیل شرایط کنونی به ویژه پس از برگزاری راهپیمایی ۲۲ بهمن گفته است که با وجود برخورد گسترده ای که در این روز صورت گرفت هویت جنبش سبز نه تنها حذف نمی شود که «عمیق تر و گسترده تر» خواهد شد.

آخرین نخست وزیر ایران در این گفت و گو می افزاید چنانچه دعوت جنبش سبز و تشکل های اصلاح طلب و مراجع و دیگر شخصیت های نظام نبود «راهپیمایی بی رمقی داشتیم که اکثریت آن را نیروهای نظامی و انتظامی که از سراسر کشور جمع شده بودند تشکیل می داد».

موسوی ادامه داده است که «اگر برای نظام تخمین وزن جمعیتی جنبش سبز اهمیت داشت، جلوی ابراز هویت جمعیت های سبز را نمی گرفت. ولی وحشت از آشکار شدن این هویت و دامنه آن، این فرصت تاریخی را گرفت. این امر بیش از جنبش راه سبز، برای حاکمیت مضر بود».

این رهبر مخالفان دولت راهپیمایی روز ۲۲ بهمن را یک «راهپیمایی مهندسی شده» توصیف کرده است که در آن «بیشترین اتوبوس ها و حتی قطارها برای جمع آوری جمعیت و نیروهای نظامی و انتظامی در اختیار گرفته شده بود» و افزوده است که اینگونه مهندسی اجتماعات نه تنها افتخاری ندارد بلکه شبیه همان ذهنیت استبدادی و رویه های پیش از انقلاب است.

موسوی همچنین افزوده است که تفاوت راهپیمایی امسال با سال های قبل متأثر از مسائل بعد از انتخابات بود و امسال با توجه به شکل گیری جنبش اجتماعی - سیاسی عظیم سبز، این راهپیمایی به شدت تحت تأثیر نحوه حضور این جنبش بود.

وی ادامه داده است که «برخورد های خشن و وحشیانه ای که مخصوصاً در میدان صادقیه و بعضی نقاط دیگر دیده شد، در سال های قبل مردم با هر شکل و قیافه و شعاری که می خواستند در راهپیمایی شرکت می کردند ولی امسال مأموران خشن حتی طاقت دیدن یک لباس سبز بر تن راهپیمایان جوان و یا حتی یک تسبیح سبز در دست یک روحانی را نداشتند».

موسوی تاکید کرده است که «گمان نمی کنم این برخورد ها به سادگی از خاطر مردم برود».

نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی، امسال در حاشیه مراسم سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، با یورش به معترضان و رهبران آنها و استفاده از گاز اشک آور، گلوله های رنگی و باتوم، مانع پیوستن معترضان به یکدیگر و راه یافتن آنها به مسیر راهپیمایی شدند.

این همه در حالی بود که آیت الله خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی، در پیامی بدون اشاره به این برخورد ها، حضور مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن را «شگفتی آفرین» خواند.

با این حال موسوی در این گفت و گو اشاره می کند که «افتخار واقعی به شرکت خودجوش مردم در راهپیمایی ۲۵ خرداد و مراسم های بعد از آن است و نه راهپیمایی های مهندسی شده و یا اجباراً اجباری با این همه هزینه و فضای امنیتی و ارباب».

در روز ۲۵ خرداد معترضان با در دست داشتن پلاکاردهایی که اعتراض آنها را به نتایج اعلام شده انتخابات بیان می کرد، دست به راهپیمایی مسالمت آمیز حد فاصل میدان های آزادی و انقلاب زدند اما

آندکی پس از پایان رسمی این راهپیمایی، برخورد خشن بار نیروهای دولتی روز ۲۵ خرداد را به یکی از روز های خونین اعتراض های سال ۸۸ بدل کرد. نیروهای دولتی همچنین از نخستین ساعات پس از برگزاری انتخابات خرداد ماه، صدها فعال سیاسی و مدنی، از جمله شمار بسیاری از روزنامه نگاران را بازداشت کردند که با گذشت بیش از هشت ماه از انتخابات، بسیاری از آنها پس از برگزاری دادگاه به احکامی بسیار سنگین محکوم شده اند و شماری از آنها همچنان در بازداشت به سر می برند.

میرحسین موسوی در بخش دیگری از این گفت و گو می گوید که «به نفع کشور بود که به جای سیاست های سرکوب و پر کردن زندان ها، سیاست حمایت از یک تشکیلات نیرومند از کسانی که

سیاست های ویرانگر موجود را قبول ندارند در چارچوب نظام وجود داشت».

وی ادامه داده است که از نگاه وی «تنها راه عدم انتقال مدیریت جریان های سیاسی و اجتماعی به خارج از کشور، همین است ولی با انحراف شدید صدا و سیما و یک طرفه شدن آن، و بسته شدن روزنامه های کشور و زندانی شدن ده ها روزنامه نگار، به نظر می رسد ایجاد تشکیلاتی که بتوان چهره های مؤثر را دور هم گرد آورد تا به صورت آشکار و در چارچوب قانون اساسی کار را پیش ببرند، فعلاً منتهی است».

موسوی در ادامه تاکید کرده است که «هنوز هم به اعتقاد اینجانب، راهبرد» هر شهروند یک رسانه «و همچنین گسترش فعالیت های شبکه اجتماعی در جهت گسترش آگاهی های سیاسی و اجتماعی یک ضرورت است و جایگزینی برای آن وجود ندارد».

وی همچنین گفته است که «در این میان استفاده از فضای مجازی معجزه کرده است و به صورت یک ساختار کاملاً قابل اتکا، افراد و شبکه ها را در اتصال و تعامل با هم قرار داده است».

جنبش سبز اهداف خود را فراموش نکند

موسوی در بخش دیگری از این گفت و گو با تاکید بر اینکه جنبش سبز نباید اهداف خود را فراموش کند و دچار روزمرگی و انفعال شود، تصریح کرده است که هدف جنبش سبز از ابتدا اصلاح در چارچوب اصولی روشن بود و «تحقق بدون تنازل قانون اساسی» را هدف حذقلی و مطمئنی ارزیابی کرده که می توانست اجماع گسترده ای ایجاد کند.

این رهبر مخالفان دولت افزوده است که «اگر چه افراد و حرکت هایی خواستند از این خط بگذرند ولی جنبش راه سبز هیچگاه از اجرای بدون تنازل قانون اساسی منحرف نشده است و انشاءالله تا انتها هم همین راه را خواهد رفت».

موسوی اجتماعات خیابانی را یکی از راه های توصیف کرده که جنبش سبز از طریق آن تلاش کرد «اهداف و نیت خود را به گوش همه ملت و جهانیان برساند» اما افزوده است که «استفاده از خیابان ها» تنها راه نیست.

خواست های جنبش سبز همان خواست های مردم است

میرحسین موسوی در ادامه این گفت و گوی تفصیلی تصریح کرده است که ده ها میلیون ایرانی که در این کشور با سانوسور، جلوگیری از آزادی ها و اقدامات سرکوبگرانه، سیاست خارجی دم بدمی و ماجراجویانه، سیاست های ویرانگر اقتصادی، و رواج فساد و دروغ معترض هستند خواهان تغییراتی هستند که به آنها مجال دهد با حاکمیت بر سر نوشت خود این سر نوشت تحمیلی از سوی کارگزاران بی کفایت را تغییر دهند.

وی سپس با تاکید بر اینکه خواست جنبش سبز، همان خواست ملت است، در توصیف خواسته های ملت ایران گفته است که «ملت ما می خواهد که در رقابت نفس گیر جهانی و منطقه ای، عقب نیفتد. ملت ما می خواهد با جهان خارج به جای دعوا و دشمنی، تعامل داشته باشد و سیاست خارجی توسعه گرا را دنبال کند. ملت ما می خواهد کالاهای تولیدی، اعم از کشاورزی و صنعتی، زیر سیل خانمان برانداز واردات بی حساب و کتاب، مدفون نشود. ملت ما می خواهد

تحت عنوان خصوصی سازی، بیشترین پروژه ها و فعالیت های اقتصادی کشور در بنگاه های شبه دولتی و نیز سیاه جمع نشود. ملت ما می خواهد به شاخص های بیکاری و فقر به عنوان یک وظیفه دینی و اسلامی و ملی اهمیت داده شود. و با انبوه تبلیغات شاخص خط فقر و بیکاری و تورم با دستکاری و دروغ، از چشم مردم پنهان نشود. ملت ما می خواهد

معلمان کشور بابت درخواست حقوق خود کتک نخورند، کارگران بابت درخواست حق خود مورد تهاجم قرار نگیرند و زنان بابت درخواست رفع تبعیض مورد هجوم تهمت های گوناگون قرار نگیرند. ملت ما می خواهد حکومت اجازه بدهد که در رسانه ملی، صدای همه ملت شنیده شود و نه افراد خاصی که کاری جز بی انصافی و تهمت زنی ندارند».

گسترش آگاهی ها؛ استراتژی جنبش سبز
این رهبر مخالفان دولت ادامه داده است: احاد ملت ما با یکدیگر دوست هستند و دوست ندارند به دو دسته حزب الله و حزب الشیطان، مردم و خس و خاشاک و گوساله و بزغاله تقسیم شوند. ملت دوست ندارد که این چنین نامه هایش، پیام هایش، گفت و گوهای تلفنی اش و پیامک هایش در معرض شوند قرار گیرد. ملت ما آگاه و رشید است و دوست ندارد

عده ای معلود به نام ملت، آزادی های ملت را محدود کنند، حقوق اساسی آن را تعطیل کنند، روزنامه هایش را ببندند و هر روز دستورالعمل های امرانه برای

نوشتن، گفتن و شنیدن صادر کنند».

موسوی بار دیگر تصریح کرده است که «زمینه هر تغییر اساسی در جهت اصلاح گری، گسترش آگاهی است «و گرچه اجتماعات حق مردم و یکی از امکانات آنها برای نیل به اهداف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنهاست اما» افشاندن بذر آگاهی و گسترش آن به همه اقشار و همه نقاط کشور تنها از طریق حضور خیابانی فراهم نمی آید».

موسوی گسترش آگاهی ها را استراتژی اصلی جنبش سبز خوانده و افزوده است که «مهم این است که در چارچوب آهر شهروند یک رسانه] هر علاقه مند به جنبش سبز راهی را برای گسترش این آگاهی و تعمیق آن در میان همه اقشار به ویژه اقشار مستضعف جامعه پیدا کند».

وی تاکید کرده است که جنبش سبز بر سر مطالبات خود و حق خود، محکم ایستاده است و هر چه آگاهی ملت از حقوق خود بیشتر شود، نیروی عظیم تری پشت این مطالبات قرار خواهد گرفت.

ضرورت تاکید بر انتخابات آزاد و غیر گزینشی

میرحسین موسوی در این گفت و گو همچنین بار دیگر با یادآوری هفدهمین باینیه خود و راه حل هائی که در آن برای خروج از بحران ارائه شده بود، افزوده است که «تکته بسیار حساس در مورد اطلاعاتی شماره ۱۷ آن است که قبول وجود بحران، به عنوان بخشی از راه حل بحران شمرده شده است. از سوی دیگر بنده اعتقاد ندارم که راهی برای حل دفعی و ناگهانی این بحران وجود دارد. به عنوان مثال، نمی توان یک راهپیمایی مهندسی شده ترتیب داد و دل خوش کرد که همه چیز تمام شده است. مهم آن است که اکنون قدم هائی برداشته شود که به فرایند بهبود اوضاع دامن بزند. شما در نظر بیابید که امروز اعلام شود که همه زندانی های سیاسی آزاد شده اند. بنده یقین دارم که این اقدام قبل از جناح ها و گروه ها، مورد اقبال همه مردم ایران قرار خواهد گرفت».

وی با اشاره به فیلمی که به تازگی از حمله به کوی دانشگاه تهران منتشر شده، گفته است که این فیلم نشان می دهد «تا چه اندازه روحیه فرقه گرای، سبیت ایجاد می کند» و افزوده است که «اگر پیروزی با تکیه استراتژی «نصر با رعب» هنر بود، ما و جهانیان، حمله صدام به حلبچه را محکوم نمی کردیم و نمی گفتیم او به مردم کشور خود هم رحم ندارد».

موسوی تاکید کرده است که «همه این روش ها، ما را از راه حل های منطقی دور می کند. تضمین انتخابات آزاد، رقابتی، غیر گزینشی و سالم، کلیدی ترین بخش راه حل هاست. اگر این امر حل نشود، ریزش مشروعیت نظام سرعت خواهد گرفت. جنبش راه سبز باید به طور مکرر و در هر شرایط و مکان، روی انتخابات آزاد، رقابتی و غیر گزینشی تاکید کند.

همانطور که آزادی زندانی ها، آزادی رسانه ها و برچیده شدن فضای امنیتی در جای خود بسیار مهم هستند و باید ضرورت این راه حل ها را نه تنها به گوش حاکمیت، بلکه به گوش همه مردم ایران برسانیم».

این رهبر مخالفان دولت همچنین حضور گروه های مرجع در جنبش سبز را فرآگبر و جدی خوانده است و در عین حال گفته است که سبزها باید بدانند که موضع گیری چند روحانی تندرو و مغرض، نظر همه روحانیت و مراجع نیست و روحانیت اصیل هیچگاه مردم را با الفاظ رکیک خطاب نمی کنند و از قتل و ریختن خون و در محبس کردن بی گناهان حمایت نمی کنند و می دانند که حکم تهمت، شکنجه و ریختن آبروی دیگران و تجسس در اسلام چیست.

هشدار در مورد سوءاستفاده مخالفان جنبش از چهارشنبه سوری

میرحسین موسوی در بخش پایانی سخنان خود، در پاسخ به پرسشی در مورد «مراسم چهارشنبه سوری» گفته است که مراسم این روز یادمان جشنواره نور علیه تاریکی است اما علاقه مندان به جنبش راه سبز ضمن آنکه به نمادها و مراسم ملی و مذهبی دل بستگی دارند، حاضر نیستند این نوع مراسم ها باعث آزار و اذیت مردم شود.

موسوی هشدار داده است که ممکن است مخالفان را اجرا کرده اند، جنبش سبز را بدنام کنند. وی ابراز اطمینان کرده است که «سبزها در هیچ برنامه هنجارشکنانه یا تخریبی که موجب اذیت و آزار مردم بشود شرکت نخواهند کرد» و افزوده است که «ایجاد انفجار و آتش سوزی یا مشتی جنبش سبز که تلاش کرده است همواره حرکت هایش مسالمت آمیز و عمیق باشد سازگاری ندارد».

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران روز سه شنبه از بازداشت عبدالملک ریگی، رهبر گروه جندالله خبر داد که بر اساس گزارش های منتشر شده در حال عبور از حریم هوایی ایران بازداشت شده است.

عبدالملک ریگی، رئیس گروه سنی مذهب جندالله که از سال ها پیش سرگرم نبرد با نیروهای امنیتی و انتظامی ایران در استان سیستان و بلوچستان است، روز سه شنبه بازداشت شده است.

گروه جندالله که به ادعای خود برای احقاق حقوق بلوچ های اهل تسنن در ایران مبارزه می کند، تاکنون مسئولیت چندین حمله تروریستی در مناطق جنوب شرقی ایران و به ویژه استان سیستان و بلوچستان را بر عهده گرفته است.

استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی ایران قرار دارد و از دو بخش سیستان و بلوچستان شامل سه شهرستان زابل، زهک و شهرستان هیرمند است.

زاهدان، مرکز استان سیستان و بلوچستان و نیز شهرستان های خاش، سراوان، ایرانشهر، سراپاز، نیکشهر، چابهار و کنارک را شامل می شود. نام خانوادگی ریگی برگرفته از نام یکی از طوایف سنی مذهب بلوچ به نام ریگی است.

در سال های گذشته منطقه سیستان و بلوچستان و نیز بخش هائی از استان کرمان شاهد دربارویی نیروهای انتظامی و امنیتی جمهوری اسلامی با ستیزه جویان عضو گروه جندالله بوده است که از سوی مقام های ایرانی با عنوان اشرار معرفی می شوند.

گروه جندالله مسئولیت چندین مورد بمب گذاری و حمله به نیروهای انتظامی و شهروندان غیر نظامی را در منطقه بر عهده گرفته است.

در جریان آخرین حمله تروریستی این گروه دست کم ۴۱ نفر کشته و تعداد زیادی نیز زخمی شدند که برخی از فرماندهان عالی رتبه سپاه پاسداران از جمله جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه نیز در میان کشته شدگان بودند.

ایران که بیشتر ساکنان آن را شیعیان تشکیل می دهند، گروه جندالله را با گروه های جهادی سنی مذهب به ویژه سازمان تروریستی القاعده مرتبط می داند و حتی ایالات متحده آمریکا را نیز به حمایت از این گروه با هدف بی ثبات کردن جمهوری اسلامی متهم می کند.

اتهامی که واشینگتن بارها آن را رد کرده است. این در حالی است که گروه جندالله می گوید، تنها برای تامین حقوق اقلیت سنی در جمهوری اسلامی مبارزه می کند. هر چند جمهوری اسلامی اتهام سازمان های حامی حقوق بشر و کشورهای غربی را در باره نقض حقوق اقلیت های قومی و مذهبی در ایران رد می کند.

عبدالملک ریگی در سال ۲۰۰۷ در مصاحبه ای ادعا کرده بود که وی تنها با «سنل کشی» مردم بلوچ توسط جمهوری اسلامی مبارزه می کند و انگیزه های جدایی طلبانه ندارد.

به گفته احمد رشید، تحلیلگر و کارشناس پاکستانی، گروه جندالله با گروه های مختلفی در منطقه از جمله طالبان و نیز سرویس اطلاعاتی ارتش پاکستان در ارتباط است. به

گروه «جندالله» و عبدالملک ریگی در یک نگاه

اعتقاد وی، سرویس ارتباطی ارتش پاکستان از گروه جندالله به عنوان ابزاری علیه ایران استفاده می کند. گروه جندالله که خود را جنبش مقاومت مردم ایران نیز می نامد، در سال ۲۰۰۲ تاسیس شده و عملیات مسلحانه خود را از سال ۲۰۰۵ آغاز کرده است.

این گروه از اوایل سال ۲۰۰۵ عملیات و تحرکات خود را در استان سیستان و بلوچستان گسترش داده است، این اقدامات در ابتدا عمدتاً شامل آدم ربایی و حمله به خودروهای عبوری بود اما جندالله به تدریج به حملات انتحاری نیز روی آورده است.

شمار جنگجویان عضو جندالله کمتر از یکصد نفر برآورد می شوند که مجهز به مواد منفجره و سلاح های سبک هستند و در مناطق هم مرز با پاکستان و افغانستان فعالیت می کنند.

حملات منتسب به گروه جندالله

۱۲ دی ۱۳۸۴: در جریان حمله به یک پاسگاه نیروی انتظامی در نزدیکی شهر سراوان ۹ نفر از پرسنل نیروی انتظامی به گروگان گرفته شدند که مسوولیت این اقدام را گروه جندالله در تماس با شبکه ماهواره ای العربیه بر عهده گرفت.

۲۵ اسفند ۱۳۸۴: شماری از جنگجویان عضو جندالله با بستن جاده زابل - زاهدان در منطقه تاسوکی به روی شش خودروی عبوری آتش گشودند. در این حادثه ۲۲ نفر کشته و تعداد دیگری نیز به گروگان گرفته شدند.

۲۵ بهمن ۱۳۸۵: انفجار در خودروی بمب گذاری شده در مسیر اتوبوس حامل اعضای سپاه پاسداران در یکی از خیابان های زاهدان به کشته شدن ۱۳ نفر و زخمی شدن ۳۰ نفر دیگر منجر شد.

۲۳ خرداد ۱۳۸۷: شورشیان جندالله با حمله به یک پاسگاه نیروی انتظامی در سراوان، ۱۶ مأمور انتظامی را به گروگان گرفته و با خود به پاکستان بردند.

۲۵ خرداد ۱۳۸۷: پاکستان عبدالحمید ریگی، برادر رهبر گروه جندالله، و ۱۵ عضو دیگر این گروه را به ایران تحویل داد. ایران همواره از مقام های پاکستانی به دلیل «عدم همکاری مؤثر آنها در مبارزه با تروریسم» انتقاد کرده است.

۲۱ مرداد ۱۳۸۷: تلویزیون العربیه گزارش داد، گروه جندالله دو سرپاز ایرانی را کشته و سه تن از اعضای سپاه پاسداران را نیز گروگان گرفته است.

۱۴ آذر ۱۳۸۷: جانشین فرمانده نیروی انتظامی ایران اعلام کرد، گروه جندالله ۱۵ تن از گروگان های خود را که از سرپازان نیروی انتظامی بودند، کشته است. بیشتر یکی از سرپازها آزاد شده بود.

۷ خرداد ۱۳۸۸: گروه تحت رهبری عبدالملک ریگی مسولیت انفجار انتحاری در یکی از مساجد شیعیان زاهدان را بر عهده گرفت. در این حادثه ۲۵ نفر کشته و بیش از ۱۲۰ فر زخمی شدند.

۲۶ مهر ۱۳۸۸: در جریان یک بمب گذاری انتحاری دیگر در شهر «سرباز» جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران و شمار دیگری از فرماندهان ارشد سپاه و سران عشایر سنی بلوچ کشته شدند